



Examples of Inimitability of the Qur'anic Contents from the Perspective of Shi'ite and Sunni Exegetes; A Comparative Study

Lotfali Abdollahi Vashan* | Majid Maaref** | Sayyid Husayn Husayni Bujdani*** |
Samaneh Zarei Husaynabad****

Received: 2021/3/15 | Correction: 2021/12/20 | Accepted: 2021/12/20 | Published: 1400/07/25

Abstract

To study the inimitability of the Qur'an, many Qur'anic exegetes have obviously paid more attention to its lexical and rhetorical features. However, it should not be forgotten that an important aspect of inimitability of the Qur'an can also be considered related to its content, which in its turn correlates to the inner meanings of the Qur'an. What can be deduced from the comparison shows that attention to this specific aspect of inimitability has been associated with strengths and weaknesses over the centuries. Accordingly, the present study tries through an analytical-comparative approach to examine the examples of the inimitability of the content of the Qur'an from the perspective of Shi'ite and Sunni scholars. Comparing the two viewpoints, one can recognize that although these two groups do not differ much in expressing the dimensions of the inimitability of the Qur'anic contents, the main discrepancy between them seems related to the type of attention to these examples. In addition, Sunni exegetes have paid more attention to this aspect in the first centuries, while their Shi'ite colleagues have mostly heeded these examples in contemporary times. Of course, a more careful study of the viewpoints of Shi'ite and Sunni scholars shows that there are some differences between them in the examples of contents and issues related to them. For example, one can refer to a case such as *butūn* (ventricles) of the Qur'an that, although its instances are quoted in the Sunni narrations, with a slight omission from the Prophet (PBUH) or his companions, do not raise a significant issue, however, the Shi'ites have paid special attention to it.



Keywords: Inimitability of the Qur'an, inimitability of content, semantic inimitability, Shi'ite exegetes, Sunni exegetes.

* Ph.D. Graduated, Department of Qur'anic Studies, Islamic Azad University, Tehran, Iran | abdollahiali42@yahoo.com

** Professor, Department of Qur'anic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran | maaref@ut.ac.ir.

*** Ph.D. Graduated, Department of Qur'anic Studies, Islamic Azad University, Tehran, Iran | hosein.bojdani@yahoo.com

**** Graduate Student, Department of Islamic Jurisprudence, Islamic Azad University, Shirvan, Iran | zareih67@gmail.com

□ Abdollahi Vashan, L.A; Maaref, M, Husayni Bujdani, S.h; Zarei Husaynabad, S. (2022) Examples of Inimitability of the Qur'anic Contents from the Perspective of Shi'ite and Sunni Exegetes; A Comparative Study. *Comparative Interpretation Research*, 8 (15) 272-300 . Doi: 10.22091/PTT.2022.5747.1793.





بررسی تطبیقی مصادیق اعجاز محتوایی از دید مفسران فریقین

لطفعلی عبداللہی و اشان* | مجید معارف** | سید حسین حسینی بجدنی*** | سمانہ زارعی حسین آباد****
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹ | تاریخ انتشار: ۲۰/۰۶/۱۴۰۱

چکیده

بسیاری از مفسران در بررسی اعجاز قرآن، بیش تر بر اعجاز بیانی و لفظی توجه داشته‌اند، در حالی که نوع مهمی از اعجاز در قرآن، محتوایی است. این نوع اعجاز با مفاهیم درونی قرآن ارتباط دارد و آنچه از تطبیق استنتاج می‌گردد، نشان می‌دهد که توجه به این نوع اعجاز در طی سده‌های مختلف، با شدت و ضعف‌هایی همراه بوده است. بر همین اساس، در این پژوهش با رویکرد تحلیلی - تطبیقی، مصادیق اعجاز محتوایی از دید فریقین بررسی شده است. در تطبیق دو دیدگاه، می‌توان گفت که مفسران فریقین، در بیان ابعاد اعجاز محتوایی اختلاف چندانی با هم ندارند و عمده اختلاف دیدگاه‌های آن‌ها، مربوط به نوع توجه به این مصادیق است که مفسران اهل سنت در سده‌های نخستین بیش تر به آن‌ها توجه کرده‌اند، ولی در دوران معاصر، دانشمندان شیعه توجه فزون‌تری به این مصادیق داشته‌اند. بررسی عمیق تر دیدگاه‌های فریقین، نشان داد که برخی اختلافات نیز در دو دیدگاه درباره مصادیق اعجاز محتوایی و مسائل مربوط به آن‌ها وجود دارد؛ مثلاً در مورد بطون قرآن کریم با وجود مسلم دانستن این مصادیق در نقل اهل سنت، با اندک اغماض از پیامبر (ص) یا صحابه بحثی مطرح نمی‌شود، در حالی که شیعه بدان اهتمام ویژه داشته است.



واژگان کلیدی: اعجاز قرآن کریم، اعجاز محتوایی، اعجاز معنایی، مفسران فریقین.

* دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول). | abdollahiali42@yahoo.com

** استاد تمام گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، ایران. | maaref@ut.ac.ir

*** دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. | hosein.bojdani@yahoo.com

**** کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، شيروان، ايران. | zareei67@gmail.com

□ عبداللہی و اشان؛ لطفعلی؛ معارف؛ مجید؛ حسینی بجدنی، س. حسین؛ زارعی حسین آباد، سمانہ. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی مصادیق اعجاز محتوایی از دید مفسران فریقین، پژوهش‌های تفسیر تطبیقی. ۸. (۱۵). ۲۷۲-۳۰۰. 10.22091/PTT.2022.5747.1793
Doi: 10.22091/PTT.2022.5747.1793



مقدمه

از سده‌های نخست نزول قرآن کریم، مفسران مسلمان به تحقیق در وجوه اعجاز قرآن پرداخته و وجوه مختلفی ذکر نموده‌اند. برخی از این وجوه، بر جنبه‌های لفظی و بلاغی مانند فصاحت و بلاغت، اسلوب و نظم تأکید دارد و برخی دیگر، به جنبه‌های محتوایی و معنایی چون: اعجاز علمی، اختلاف ناپذیری، اخبار غیبی و ... پرداخته است. در حقیقت برخی از دانشمندان، به اعجاز محتوایی به عنوان یکی از وجوه مهم اعجاز توجه داشته‌اند و بررسی این نوع اعجاز از مباحث مهم میان دانشمندان بوده که اهمیت تبیین آن برای رفع اختلاف میان مفسران نمایان است. با توجه به آن که مفسران فریقین، به موضوع اعجاز محتوایی پرداخته‌اند، در دیدگاه‌های آن‌ها شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد که بررسی آن می‌تواند مبین دیدگاه فریقین درباره این نوع اعجاز باشد. بر همین اساس، پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی دیدگاه مفسران فریقین درباره اعجاز محتوایی می‌پردازد و از طریق بررسی سه سؤال اساسی پژوهش، این هدف را دنبال می‌کند:

۱. اعجاز محتوایی چیست و مهم‌ترین مؤلفه‌های اعجاز محتوایی نزد فریقین کدام

است؟

۲. سیر تطور پرداختن به مبحث اعجاز محتوایی نزد مفسران شیعه و سنی چگونه است؟

۳. نقاط اشتراک و افتراق مبحث اعجاز محتوایی میان مفسران فریقین چیست؟

پیشینه تحقیق

در زمینه بررسی تطبیقی مصادیق اعجاز محتوایی از دید فریقین می‌توان گفت: با توجه به اهمیت وافر اعجاز محتوایی، این موضوع در هیچ کتاب یا مقاله‌ای به طور خاص بررسی انجام نشده است. از برخی از پژوهش‌هایی که مرتبط با این تحقیق هستند، می‌توان به مقاله «تأملی بر اعجاز تشریعی قرآن»، از عبدالکریم بهجت پور و حامد معرفت نام برد که در آن، قسمت‌هایی از اعجاز تشریعی را شرح داده است. مقاله دیگر با نام «اعجاز معنوی قرآن»، از عباس مصلائی پور یزدی و سجاد محمدنام است که نگارندگان در آن به اعجاز معنوی اشاره گذرا داشته، اما به مسأله تطبیق آرای مفسران نپرداخته‌اند. تازه‌ترین مقاله‌ای که به این بحث

پرداخته، از حمیده حائری پور با نام «اعجاز معنوی از دیدگاه ملاصدرا» است. نگارنده در این مقاله، اعجاز معنوی را از زاویه دید یکی از دانشمندان بررسی کرده است. آنچه در این نوشتار واکاوی می‌شود، به صورت مشخص، در پی جمع‌بندی نظر مفسران و صاحب نظران فریقین درباره مصادیق اعجاز محتوایی به صورت تطبیقی است که این امر با رویکرد معرفت‌شناسانه نسبت به اشتراکات و اختلافات دو فرقه در این نوع از اعجاز سامان یافته و برجسته‌ترین مصادیق اعجاز محتوایی را احصا کرده و در نهایت قدسی بودن قرآن را به لحاظ محتوا به اثبات رسانده که در هیچ کتاب یا مجله‌ای به طور کامل به این صورت بررسی نشده است.

مفهوم شناسی

۱. مفهوم اعجاز

اعجاز از دید لغویان، از ریشه «ع ج ز» و به دو معنای ناتوانی و کناره یک چیز آمده است (ابن فارس، بی تا، ج ۴، ص ۲۳۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۵۴۷). برخی از مفسران معتقدند که انسان موجودی عاجز است؛ زیرا پایان کار او و اماندگی و ناتوانی است (نک). طبرسی، بی تا، ج ۵، ص ۲۷۸؛ بنابراین اعجاز در لغت، به معنای ایجاد ضعف در طرف مقابل است و معجزه، عملی است که دیگران قادر به انجام دادن آن نیستند. در بررسی دیدگاه مفسران، معجزه امری خارق‌العاده است که همانند سحر و جادو باطل کننده عقل نیست (نک). طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۷۲؛ سیوطی، بی تا، ج ۴، ص ۳. از این جهت معنای اصطلاحی اعجاز از دید برخی، ضعف و ناتوانی انسان از آوردن مثل قرآن بیان شده است. (نک. قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۶۳؛ جعفری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۲۹۴)

۲. مفهوم اعجاز محتوایی

اعجاز محتوایی به زعم دانشمندان، مرتبط با مفاهیم درونی قرآن است و محورهای مختلفی چون: هدایت بشر، وضع قوانین، اخبار از غیب، اعجاز علمی، اختلاف ناپذیری قرآن، تبشیر و تنذیر، مشخص نمودن حقوق عامه و مسائل اخلاقی را شامل می‌شود (نک. کمالی دزفولی، ۱۳۹۲، ص ۵۹۴). تحقیق در محتوای قرآن و خصوصیات آن، حاکی از آن است که

این کتاب، از قلم هیچ کس تراوش نکرده، چه رسد به فردی که امی بوده است. این نوع از اعجاز، با عنوان "اعجاز معنوی" نیز در آثار برخی علما دیده می‌شود؛ برای مثال، مطهری اعجاز قرآن را به دو گونه اعجاز لفظی و معنوی تفکیک نموده است (نک. مطهری، ۱۳۷۶، ۴، ص ۵۴۰). به عقیده جوادی آملی، اعجاز قرآن ذاتاً مربوط به محتوای آن است و قرآن کریم از نظر محتوا، دربرگیرنده معارف والا و حکمت‌های مهم است. (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۴۱۰)

۳. ادله اعجاز محتوایی

برای پی بردن به درون‌مایه اعجاز محتوایی، تحلیل چند نکته اهمیت دارد که برجسته‌ترین این ادله بدین صورت است:

۳-۱- هدف از نزول قرآن کریم، هدایت انسان است. بسیاری از آیات به این امر اشاره داشته‌اند. (نک. اسراء/۸۲؛ یونس/۵۷؛ فصلت/۴۴؛ جن/۲ و جاثیه/۲۰)

۳-۲- آیه* أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا* (نساء/۳۲)، درباره عدم اختلاف در آیات قرآن، مربوط به محتوا می‌شود.

۳-۳- تحدی قرآن به هدایت‌گری دانسته شده و هدایت‌گری یکی از مفاهیمی است که در بیش‌تر سوره‌های آن تحقق یافته است.

۴. اعجاز محتوایی و مصادیق آن از دید فریقین

در اصل وجود مسأله اعجاز قرآن، اختلافی بین مفسران نیست؛ بلکه اختلاف در انواع اعجاز است که برخی از علما آن را بیرونی (نک. سید مرتضی، ۱۳۸۲، ص ۹۳) و برخی دیگر آن را درونی دانسته‌اند (نک. زرقانی، ۱۳۸۵، ص ۹۵؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۷۲). مفسران مصادیق گوناگونی را برای اعجاز محتوایی برشمرده‌اند که می‌توان به اخبار از غیب، اختلاف ناپذیری، اعجاز علمی، بطون قرآن و جامعیت قرآن اشاره کرد؛ البته توجه به این نوع از اعجاز در دوره متقدمان، به جهت تمرکز ویژه آن‌ها بر فصاحت و بلاغت کم‌تر بود و در دوره متأخران، به دلیل رواج خرافات بنی‌اسرائیل و جعل احادیث، توجه بیش‌تر به آن شد و

بالاخره در دوره معاصر به دلیل شبهات متعدد شرق شناسان درباره محتوای قرآن، به جنبه حداکثری رسیده است.

از آن جا که بنای این پژوهش، تفسیر تطبیقی این مصادیق در نگاه فریقین است، به صورت موردی برجسته ترین آن ها را گزینش و واکاوی کرده که مورد اتفاق فریقین است.

الف) اختلاف ناپذیری

تأکید بر اختلاف ناپذیری قرآن کریم، از جمله مصادیق اصلی در مبحث اعجاز محتوایی است که مفسران فریقین از سده های اولیه به آن توجه داشته اند. اختلاف ناپذیری مفهومی کلی و مشتمل بر لفظ و محتواست. قرآن با این که در طول ۲۳ سال نازل شده و در موضوعات مختلف سخن گفته، هیچ اختلافی در محتوای آن مشاهده نمی شود. خداوند خود نیز در قرآن به این ویژگی تأکید دارد. (نساء/ ۸۲)

۱. اختلاف ناپذیری در دیدگاه مفسران شیعه

عده ای از مفسران شیعه، بر اعجاز قرآن به جهت نبود اختلاف در آن تصریح کرده اند (نک. بلاغی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۳؛ خویی، ۱۴۰۱، ص ۶۸؛ سبجانی، ۱۴۲۱، ج ۸، ص ۳۴۸). صاحب المیزان، با استناد به آیه ۸۲ سوره نساء بیان می دارد که از جمله تحدی های قرآن این است که با وجود وسعت و گستردگی موجود در معارف آن، اختلاف و تناقضی را در آن نمی توان یافت. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۸)

عده ای دیگر، آیه فوق و آیات مشابه آن را اثبات کننده اعجاز قرآن دانسته اند (نک. مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۳۳۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۴۰). برای نمونه، طبرسی عاری بودن قرآن از هر گونه اختلاف و تناقض را یکی از وجوه تحدی قرآن دانسته است. هم چنین ذیل آیه *الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا* (کهف/ ۱)، بر عاری بودن قرآن از هر گونه تناقض و اعجاز قرآن در پیراستگی از اختلاف تأکید ورزیده است (طبرسی، بی تا، ج ۱۵، ص ۸). در روایات تفسیری اهل بیت (ع) نیز این وجه از اعجاز قرآن دیده می شود. امیرالمؤمنین (ع) در توصیف قرآن فرموده اند:

«وَفِيهِ تَبَيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ* وَذَكَرَ أَنَّ الْكِتَابَ يُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا، وَأَنَّهُ لَا اخْتِلَافَ فِيهِ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ* وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا* وَإِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ، لَا تَقْنِي عَجَائِئُهُ، وَلَا تَنْقُضِي غَرَائِئُهُ، وَلَا تُكْشِفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ»؛

«در قرآن بیان هر چیز است و یادآوری گردیده که بعضی قرآن، گواه بعض دیگر است و اختلافی در آن نیست و فرموده: "اگر از سوی خدای یکتا نیامده بود، در آن اختلاف فراوان می‌یافتند." ظاهر قرآن زیبا، باطن آن ژرف و ناپیداست؛ عجایب آن سپری نگردد، غرایب آن به پایان نرسد و تاریکی‌ها جز بدان زدوده نشود». (شریف رضی، خ ۱۸)

برخی از مفسران شیعه، ضمن اشاره به نزول تدریجی قرآن، تأکید دارند که قوانین حاکم بر زندگی دنیا، بر دگرگونی و تکامل مبتنی است و همه انسان‌ها احساس می‌کنند که از روز قبل کامل‌ترند. از طرف دیگر، قرآن با این که نزول تدریجی داشته، کم‌ترین اختلاف در چینش کلمات آن دیده نمی‌شود، بلکه برخی مطالبش مفسر یک دیگرند (نک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۶۶). بر مبنای این احتجاج، صاحبان دیدگاه فوق، مصونیت قرآن از اختلاف و تناقض را- با وجود این که در موضوعات متنوع و در موقعیت‌های گوناگون و در طی سال‌های متمادی نازل شده- دلیلی بر اعجاز قرآن در محتوا دانسته‌اند.

۲. اختلاف ناپذیری در دیدگاه مفسران اهل سنت

بررسی نگاشته‌های مغرضان و کسانی که به اشتباه قرآن را دارای اختلاف و تناقض دانسته‌اند، ذیل برخی آیات قرآن، نشان می‌دهد که مواردی در این کتاب وجود دارد که به ظاهر موهم وجود اختلاف و تناقض است (زرکشی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۷۶)؛ درحالی که خداوند در آیه ۸۲ سوره مبارکه نساء، آشکارا قرآن کریم را مبرا از اختلاف دانسته است. مفسران اهل سنت نیز در طول تاریخ، کتب تفسیری متعددی را در توضیح آیات- در مواردی که ظاهر آیه‌ای با دیگر آیات تعارض ظاهری دارد- نگاشته‌اند که با وجود اختلاف ظاهری برخی آیات، در حقیقت چنین چیزی وجود نداشته و آنان به دفاع از مصونیت قرآن از اختلاف و تناقض پرداخته‌اند؛ برای مثال، جصاص در قرن چهارم، در ذیل آیه ۸۲ نساء، به بحث اختلاف ناپذیری قرآن اشاره می‌کند. وی می‌گوید:

«اختلاف سه نوع است: اختلافی که موجب تناقض یکی از دو طرف شود و اختلافی که موجب تفاوت یکی نسبت به دیگری شود. این دو نوع اختلاف در قرآن موجود نیست. سومین گونه اختلاف، اختلاف تلاثم است؛ یعنی تمام قرآن متلائم در حسن باشد؛ مثل اختلاف قرائات، تعداد آیه‌ها و اختلاف احکام». (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۸۲)

در دوران بعد برخی از مفسران، به این اظهارنظرها درباره اختلاف ناپذیری قرآن پرداخته‌اند (نک. ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۴۳۸). از دید فخر رازی، یکی از وجوه مهم اعجاز، همان تهی بودن آن از اختلاف است. (نک. فخر رازی، ۱۹۸۹، ص ۸۷)

پایه‌های استدلال به آیه ۸۲ نساء از دید مفسران چنین است: هیچ دانشمندی کلام طولانی نمی‌گوید جز این که در آن اختلاف فراوانی مشهود است - خواه در الفاظ باشد و خواه این اختلاف تناقض در معنا را برساند. (نک. ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۷۲۶)

بحث اختلاف ناپذیری قرآن در دوره متأخران اهل سنت، در آثار مفسرانی چون زمخشری دیده می‌شود (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۴۰). در دوره معاصر نیز برخی معتقدند که میان اجزای سوره‌ها، هم‌خوانی و هماهنگی ویژه‌ای وجود دارد (نک. سید قطب، ۱۴۰۸، ص ۵۳)؛ بنابراین قرآن از هرگونه اختلاف تهی است و با این که در موضوعات مختلف به ایراد سخن پرداخته، هیچ اختلافی در آن مشاهده نمی‌شود و این طور استنباط می‌گردد که اصلاً تصور وجود اختلاف در قرآن در نگاه اهل سنت در طی اعصار مختلف جایگاهی نداشته است.

همان‌طور که ملاحظه شد، هر دو فریق، در اثبات اختلاف ناپذیری قرآن، به آیه ۸۲ نساء تمسک جست‌ه‌اند، اما تفاوتی که وجود دارد، مربوط به شدت و ضعف توجه به این مصادیق است که بیش‌ترین توجه به موضوع اختلاف ناپذیری، از جانب دانشمندان اهل سنت مربوط به دوره متأخران است؛ در حالی که مفسران شیعه به این موضوع در دوره معاصر بیش‌تر پرداخته‌اند.

ب) اخبار از غیب

اخبار از غیب، از جمله وجود اعجاز محتوایی در قرآن است. غیب در برابر شهود به کار می‌رود و به هر آن‌چه از دنیای محسوسات خارج است، مربوط می‌شود (نک. ابن منظور، ۱۴۱۴، ذیل ماده غیب). خداوند در قرآن، از زندگی اقوام پیشین و پیامبران خویش پرده برداشته و خبرهایی از پیامبر اسلام، احوال وی و مقاصد اطرافیان‌ش داده و هم‌چنین خبرهایی را درباره آینده بیان نموده است. اخبار غیبی قرآن غالباً در سه موضع توجه مفسران را جلب کرده است:

اول، دوره گذشتگان: قرآن در بخشی از اخبار غیبی، حوادث پیشینیان را بازگو می‌کند و لذا می‌بینیم پس از ذکر سرگذشت نوح (ع) می‌فرماید: *تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا...* (هود / ۴۹)؛ «این‌ها از خبرهای غیبی است که آن را به تو وحی می‌کنیم؛ نه تو و نه قوم تو آن‌ها را پیش از این نمی‌دانستید...». دلیل اعجاز این خبرها این است که پیامبر (ص) بدون آموزش دیدن، چنین مطالبی را بیان فرموده‌اند.

دوم، دوره حاضر: در این دوره نیز خداوند اخباری را در اختیار رسولش گذاشته است. در سوره توبه می‌فرماید: *يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ* (توبه / ۶۴)؛ «منافقان از این که سوره‌ای بر ضدشان نازل شود که آنان را از اسراری که در دل‌هایشان وجود دارد آگاه نماید، اظهار ترس و نگرانی می‌کنند». دلیل این که این نوع اخبار، معجزه به شمار می‌آید این است که قرآن از اتفاقات عصر پیامبر (ص) پرده برداشته است.

سوم، اخبار غیب مربوط به آینده: قرآن در بخشی از آیاتش، درباره امور مهم مربوط به آینده خبر داده است. مثلاً در سوره روم می‌فرماید: *غُلِبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلِبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ* (روم / ۲-۳)؛ «رومیان مغلوب شدند، در نزدیک‌ترین سرزمین و آنان پس از مغلوب شدنشان به‌زودی پیروز خواهند شد».

۱. اخبار غیبی در دیدگاه مفسران شیعه

روایات تفسیری شیعه، بر موضوع اخبار غیبی قرآن تصریح کرده‌اند. در یکی از این روایات، امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید:

«و فی القرآن نبأ ما قبلكم و خبر ما بعدکم...»؛ «در قرآن خبرهای پیشینیان شماسست و خبرهای آنان که بعد از شما می آیند...». (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۳)

این وجه از اعجاز در دوره متقدمان، در آثار علمایی چون: شیخ طوسی و طبرسی دیده می شود (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۱۷۲؛ طبرسی، بی تا، ج ۸، ص ۷۲۱). طبرسی در شمارش وجوه اعجاز قرآن، به نظم و فصاحت آن اکتفا نمی کند، بلکه اخبار از غیب را نیز از وجوه اعجاز قرآن قلمداد می کند (نک. طبرسی، بی تا، ج ۱، ص ۲۶ و ۱۲۶ و ج ۶، ص ۱۱۰). در دوران معاصر، عده فزون تری از مفسران (نک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۶۰؛ طالقانی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۹۰؛ مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۱۳۱)، به ایراد سخن پرداخته اند. در سیر این بحث، برخی معتقدند: در دوران جاهلی، وجود اخبار غیبی در قرآن مورد اتفاق اعراب نبود، اما گذشت روزگار بر صداقت آن اخبار صحه گذاشت (نک. بلاغی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۶). یا عده دیگر بر این باورند که خداوند در آیات بسیاری (نک. یوسف/۱۰۲؛ مریم/۳۴؛ مائده/۶۷؛ حجر/۹)، به اخباری از غیب اشاره فرموده و به بشر اعلام کرده است که اگر در معجزه بودن این کتاب شک دارید، کتابی بیاورید که مانند آن مشتمل بر اخبار از غیب باشد (نک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۶۴). صاحب المیزان، اخبار غیبی را یکی از وجوه اعجاز قرآن دانسته است. ایشان در اثبات این وجه از اعجاز معنوی قرآن، به موضوع تحدی اشاره نموده و بیان داشته که خداوند در آیات فراوانی، به خبرهای غیبی خود تحدی نموده و به دیگران اعلام فرموده است که اگر شکی در آسمانی بودن این کتاب دارند، کتابی همانند آن بیاورند که مشتمل بر اخبار غیبی باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۶۴)

برخی از مفسران شیعه نیز اعجاز غیبی را پیوست اعجاز علمی قرآن کریم دانسته اند که خداوند امور نهانی هستی را در هر دو، بیان می نماید که بر پیامبر (ص) و دیگران پوشیده است (معرفت، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۲۵۶). بررسی دیدگاه مفسران شیعه، نشان می دهد که برخی از آنها با تفسیر مفاهیم و واژگان قرآن کریم نیز در پی اثبات معجزه بودن اخبار غیبی آن برای پیامبر (ص) بوده اند؛ از جمله جوادی آملی ذیل آیه *وَسَيَخْلِفُونَ بِاللّٰهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسُهُمْ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ* (توبه/۴۲)، تصریح دارند که خداوند در این آیه،

این خبر غیبی را به رسول اکرم (ص) داد که شما می‌روید و سالم بازمی‌گردید؛ اما آن‌هایی که ماندند و شما را یاری نرساندند، پس از بازگشت شما سوگند دروغ خواهند خورد که نمی‌توانستند بیایند؛ بنابراین جمله «سیحلفون بالله»، اخبار از غیب و معجزه‌ای برای پیامبر محسوب می‌گردد؛ چون ایشان با قاطعیت به مردم ابلاغ نمودند که این منافقان در آینده سوگند یاد می‌کنند و این واقعه نیز به‌زودی اتفاق افتاد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۰)

بنابراین همان‌طور که گذشت، بیش‌تر مفسران شیعه به وجود اخبار از غیب در قرآن معتقد بودند و تفاوت موجود بین آن‌ها، مربوط به کمیت است نه کیفیت؛ یعنی در دوره متقدمان، توجه به اخبار از غیب کم‌تر شده و با نزدیک شدن به دوران معاصر، این توجه به جنبه حداکثری خود نزد مفسران شیعه رسیده است.

۲. اخبار غیبی در دیدگاه مفسران اهل سنت

بیش‌تر متفکران اهل سنت که توجهی درخور در مورد اعجاز محتوایی داشته‌اند، اخبار از غیب را از وجوه مهم اعجاز محتوایی تلقی کرده تا جایی که حتی دیدگاه تفسیری معتزلی که اعتقاد به‌صرفه داشت، اخبار از غیب را نیز در کنار سایر وجوه قرآن مطرح کرد (رافعی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۴). در سیر زمانی دوره متقدمان، برخی از دانشمندان این وجه از اعجاز را پذیرفتند. به اعتقاد خطابی، عده‌ای گمان کرده‌اند که اعجاز قرآن فقط به جهت دارا بودن خبرهای غیبی است. وی ادامه می‌دهد که تردیدی وجود ندارد این اخبار از وجوه اعجاز قرآن است؛ ولی نمی‌توان به تمام سوره‌ها تعمیم داد (نک. خلف الله، ۱۹۷۶، ص ۲۳). باقلانی نیز از دانشمندانی است که اخبار از غیب را به‌عنوان یکی از وجوه اعجاز آورده است (نک. باقلانی، ۱۴۰۶، ص ۵۷). بحث اخبار از غیب، در دوره متأخران شتاب بیش‌تری گرفته و در آثار برخی دانشمندان یافت می‌شود (نک. بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۷۵؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۷۳؛ سیوطی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۸۰). اخبار از غیب، یکی از وجوه اعجاز از نظر زمخشری است. وی در تفسیر آیه «فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ» (هود/۱۴) می‌گوید:

«یعنی با آن‌چه جز خداوند از آن آگاه نیست؛ یعنی خبرهای غیبی که بشر هیچ راهی به آن ندارد، همراه است». (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۶۲)

قرطبی در میان وجوه مختلفی که برای اعجاز نام می‌برد، اخبار از غیب را نیز یادآور می‌شود (نک. قرطبی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۵۴). سید قطب نیز به اخبار از غیب معتقد است. وی موضوع خلقت آدم را اخبار از غیب می‌داند و از کیفیت آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کند (سید قطب، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۱۳۸). وی همه آنچه را نیز که در عالم طبیعت، برای بشر مجهول است، حکم امور غیبی بر آن می‌نهد (همان، ج ۲، ص ۱۱۱۵). برخی دیگر، فرشتگان را موجوداتی از عالم غیب دانسته، از سخن درباره حقیقت آن‌ها خودداری می‌کنند (رشید رضا، ۱۹۹۰، ج ۱، ص ۲۶). این سیر توجه به اخبار از غیب، در طول اعصار ادامه داشته و تقریباً تمام مفسران اهل سنت راجع به آن اظهار نظر جدی داشته‌اند. (نک. طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۳۷۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۳۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۵۱؛ مراغی، بی‌تا، ج ۲۸، ص ۴۹)

ج) بواطن قرآن

بواطن قرآن، یکی دیگر از وجوه اعجاز معنایی این کتاب است. وجود باطن برای آیات قرآن، از نظر ثبوتی ممکن و از نظر اثباتی نیز روایات متواتر دال بر آن است و آیات قرآن بر آن تأکید دارند (۸۹/نحل). امیرالمؤمنین (ع) در روایتی به بواطن قرآن اشاره داشته، می‌فرماید:

«سِرَاجًا لَا يَخْبُو تَوَقُّدُهُ وَبَحْرًا لَا يُدْرِكُ قَعْرُهُ» (نهج البلاغه، خ ۱۸۹)؛ «قرآن چراغ فروزانی است که فروغ و تابش آن به خاموشی نمی‌گراید و دریایی عمیق است که فکر بشر به عمق و ژرفای آن نمی‌رسد».

در حقیقت دلیل اطلاق بطون قرآن بر اعجاز محتوایی این کتاب، آن است که قرآن همانند سایر کتب بشری نیست که هنگام تفسیر و تبیین آن، مبهمات و مشکلات آن حل گردد. هم‌چنین به‌ندرت بتوان نکته‌ای در آن یافت که پیشینیان از درک آن بازمانده باشند. قرآن یک کتاب تک‌بعدی و سطحی نیست که بتوان به شرح و تفسیر تمام محتوای آن پرداخت، بلکه دارای ابعاد متعددی است که دانشمندان طی قرون متمادی به تبیین آن‌ها پرداخته و معانی مختلفی از آن‌ها استخراج کرده‌اند و هنوز هم می‌توان در آن به کشفیات

تازه دست یافت. در حقیقت همه آن‌چه از قرآن برداشت شده است، به اندازه قطره‌ای است در برابر دریا و چه اعجازی بالاتر از این است.

۱. بواطن قرآن در دیدگاه مفسران شیعه

دانشمندان شیعه، باطن قرآن مجید را آن معانی‌ای قلمداد کرده‌اند که آیات به صورت نهانی به آن اشاره دارند. امام علی (ع) می‌فرماید:

«و ان القرآن ظاهره انیق و باطنه عمیق»؛ «همانا قرآن دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف و ناپیداست». (سید رضی، خ ۱۸) منظور از عمق معانی، حالت معماگونه آن نیست، بلکه قرآن همه مسائل مربوط به انسان و هستی را در آیاتی مطرح نموده است که کلمات آن در کمال سادگی و زیبایی ادا شده‌اند. (جعفری، ۱۳۷۳، ص ۲۶۶)

اصل وجود باطن در قرآن، مورد اتفاق مفسران شیعه است، اما در مفهوم اصلی باطن بین آن‌ها اختلاف وجود دارد (نک. بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۷۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۷۴). بعضی معتقدند که یکی از حکمت‌های وجود معانی باطنی قرآن، عدم ایستایی آن در طی زمان است (نک. عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۶). بعضی باطن هر آیه را عمل نمودن می‌دانند (نک. طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۹). از دید برخی دیگر، باطن قرآن فهمی است از الله برای دانستن منظور او (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۸؛ قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۵۱). از دید برخی، قرآن بر هفت حرف نازل شده است. هیچ حرفی از آن نیست، مگر این که دارای ظاهر و باطنی است و علم ظاهر و باطن نزد علی بن ابی طالب است (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۰). برخی معتقدند تمام آیات قرآن بطن دارد (نک. نجارزادگان، ۱۳۸۳، ص ۶۱) و برخی دیگر نیز بطن را به معنای تأویل دانسته‌اند. (نک. معرفت، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۲۸)

اصولاً جاودانه بودن قرآن فقط در گرفتن بطون آن نیست؛ بلکه در بهره گرفتن از آن در کارها نیز هست. از این رو بواطن قرآن، اصل است و ظواهر آن فرع محسوب می‌شود؛ بنابراین از دید دانشمندان، هر بیان لفظی قرآن، نشأت گرفته از یک معرفت کلی و هر معرفت کلی، اخذ شده از یک معرفت کلی‌تر است تا به بطون قرآن نایل شود که در لوح محفوظ است (نک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۶۳-۶۴). برخی معتقدند که هرگز اختلافی بین بواطن

قرآن وجود ندارد؛ زیرا مراتب درونی آن مانند مظاهر بیرونی اش سخن خداست و اگر از نزد غیر خدا نازل می‌شد، حتماً با هم اختلاف داشت؛ بنابراین تمام مطالب قرآن از جهات گوناگون هماهنگ با یک دیگر است. (نک. جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۲۸ و ۴۱۰) دیدگاه شیعه این است که فقط معصومان می‌توانند شبهات را پاسخ دهند؛ چراکه آنان عالم حقیقی به قرآن هستند. (نک. نجارزادگان، ۱۳۸۳، ص ۶۰)

همان‌طور که دیده شد، توجه به بطون قرآن از دوره مفسران متقدم، امثال شیخ طوسی آغاز شده است و مفسران شیعه در دوران معاصر توجه بیش‌تری بر بطون قرآن داشته‌اند.

۲. بواطن قرآن در دیدگاه مفسران اهل سنت

مفسران اهل سنت نیز به وجود باطن برای آیات قرآن اتفاق نظر دارند (نک. طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۱۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۷)؛ البته اختلافاتی در مفهوم باطن بین آن‌ها وجود دارد (نک. زرکشی، ۱۹۵۷، ج ۲، ص ۱۶۹). برخی مفهوم باطن را برداشت و فهمیدن (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۵)، برخی اندرز و موعظه (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۲۲۰) و برخی دیگر رمز و راز (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۷) تلقی نموده‌اند. برخی از مفسران آورده‌اند که پیامبر (ص) فرموده:

«قرآن بر هفت حرف نازل شده است. هر حرفی از آن دارای ظاهر و باطن است و هر حرفی حدی دارد و هر حدی نیز دیدگاهی». (طبری، ۱۴۱۲، مقدمه)

برخی از مفسران نیز بر این باورند که اعجاز قرآن به دلیل معانی آن است (نک. ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۰۶). عده‌ای دیگر معتقدند که قرآن لبریز از معانی والا و ارزشمند است (نک. راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۵؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۶۳). برخی مثل ابن تیمیه، وجود بطون برای قرآن را انکار می‌کنند (نک. فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۱) و برخی دیگر به وجود باطن برای آیات معتقدند (ذهبی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۸). بعضی دیگر یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن را معانی ظریف آن دانسته‌اند (نک. شربینی، بی‌تا، ص ۲). به باور برخی دیگر، یکی از وجوه اعجاز قرآن، دقت در زیبایی بیان معانی است - چه آن

معنا امری حقیقی باشد و چه خیالی و در حوزه هدایت باشد یا گمراهی. (نک. دراز، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۴)

د) اعجاز علمی

اعجاز علمی، مصداق دیگر از اعجاز محتوایی است. اعجاز علمی یعنی قرآن کریم از اسراری علمی پرده برداشته که کسی قبل از نزول وحی از آن آگاه نبوده است. این نوع از اعجاز، در قرن‌های اخیر جایگاه ممتازی پیدا کرده است؛ چون علوم تجربی رشد کرد و اسرار علمی قرآن را آشکار نمود. عده‌ای موافق اعجاز علمی قرآن و عده‌ای مخالف هستند. نظر میانه در اعجاز علمی قرآن این است که می‌توان از مسائل قطعی علوم برای استنباط عمیق‌تر آیات استفاده کرد.

۱. اعجاز علمی در دیدگاه مفسران شیعه

مسئله اعجاز علمی قرآن در میان مفسران معاصر شیعه بسیار اهمیت داشته و بسیاری از آنان به این موضوع پرداخته‌اند (نک. قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۷۰؛ صافی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۵۷؛ عروسی حویزی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۶۵؛ شریعتی، ۱۳۴۶، ج ۱، ص ۱۱؛ صادقی، ۱۴۰۶، ج ۲۹، ص ۳۴۱). گروهی از مفسران شیعه درباره اعجاز علمی معتقدند که قرآن با توجه به هدف نزول، در اصل کتاب هدایت آدمی است که تمامی تعالیم آن نیز در جهت تعالی و تربیت بشر است. باین‌حال در برخی آیات، به‌منظور تعالی و تربیت آدمی، اشاراتی گذرا به مسائل علمی داشته که نشان‌دهنده اعجاز علمی قرآن است. (معرفت، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۵۰)

هم‌راستای این بحث، برخی در تفسیر آیه شریفه ﴿اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا﴾ (رعد / ۲)؛ «خدا [همان] کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آن‌ها را مشاهده کنید برافراشت»، اشاره به اعجاز علمی قرآن نموده، می‌گویند:

«یعنی آسمان را بدون ستون‌های قابل دید بنا کرده است که از وجود قوه جاذبه و دافعه بین کرات خبر می‌دهد و قرآن از این قانون در حدود هزار سال پیش پرده برداشته است». (نک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱۰، ص ۱۱۰)

عقیده برخی دیگر از علما این است که قرآن در دوران جاهلیت، به مطالب علمی شگفت‌آوری اشاره کرده که اعجاب مردم آن دوران را برانگیخته است (نک. خویی، ۱۴۰۱، ص ۹۱). لذا اگر به واسطه علوم بخوایم محتوای آیات را بفهمیم، مسیر سختی را انتخاب کرده‌ایم؛ دلیلش این است که اولاً فرضیات علمی از ویژگی ثبات برخوردار نیستند؛ ثانیاً اگر انسان بتواند بعضی از مبهمات امور را با علوم قطعی برطرف کند، ممدوح است، به شرطی که ادعای قطعی بودن آن دانش‌ها را نداشته باشد تا اگر احیاناً آن علوم دچار تغییر شدند، آسیبی به چهره قرآن کریم وارد نشود.

۲. اعجاز علمی در دیدگاه مفسران اهل سنت

بررسی منابع تفسیری اهل سنت، نشان می‌دهد که بسیاری از مفسران اهل سنت به اعجاز علمی قرآن توجه داشته‌اند (نک. زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۲۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۱۶۳؛ ابوحجر، ۲۰۰۱، ص ۳۸۰؛ طنطاوی، ۱۳۵۶، ج ۸، ص ۱۳۰؛ رشید رضا، ۱۹۹۰، ج ۷، ص ۳۹۵) که در میان نظریات آن‌ها، چند دیدگاه در این زمینه غالب است:

دیدگاه نخست بر این باور است که قرآن به واسطه در برگرفتن امور دقیق و ظریف علمی معجزه است. (نک. ابوالسعود، ۲۰۰۱، مقدمه)

برخی دیگر بر این باورند که قرآن برای مسأله علم نزد همه و به خصوص مسلمانان اهمیت ممتازی قائل است. به عقیده آنان، قرآن به دنبال اثبات عجایب خلقت است تا مسلمانان را به آگاهی از حقایق معانی‌اش رهنمون سازد (نک. طنطاوی، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۴۳). این گروه از دانشمندان، در راستای دیدگاه خویش درباره اعجاز علمی قرآن، تلاش می‌کنند معجزات پیامبران از جمله معجزه حضرت موسی (ع) را از جنبه علمی بررسی نمایند و معتقدند وقتی موسی (ع) عصا را بر سنگ زد و دوازده چشمه از آن جاری شد، این ضربه را زد تا اندیشه‌ها، محو تماشای شگفتی‌های آفرینش شوند. مفسرانی که بر دیدگاه فوق هستند، مسلمانان را به جست‌وجوی علوم تشویق می‌کنند تا در مورد جهان بیندیشند و به این درک برسند که کوه و سنگ به منزله عصای حضرت موسی (ع) هستند (نک. طنطاوی، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۷۰). عده‌ای دیگر تلاش می‌کنند معجزات مطروحه مثل سرد شدن آتش بر

ابراهیم (ع) را معجزه بنامند و معتقدند که آن‌چه باعث خاموش شدن آتش شد، فرمان الهی و اعجاز بود نه باران. (نک. شعراوی، ۱۳۸۷، ص ۹)

ه) جامعیت قرآن

جامعیت قرآن، یکی از موضوعات مرتبط با شناخت قرآن است که نقش مهمی در فهمیدن آن دارد. این جامعیت، موضوعات گوناگونی از جمله: اخلاق، علوم، مسائل اجتماعی، عقاید، احکام و تاریخ را دربر می‌گیرد. دانشمندان به این جامعیت، در طول دوره‌های مختلف توجه داشته‌اند و قرآن در این زمینه آشکارا سخن به میان آورده است. (نک. سوره نحل، آیه ۸۹)

موضوع جامعیت قرآن، از جمله مباحثی است که در آغاز نزول آن نیز مطرح بوده، اما درباره کیفیت و نوع آن میان مفسران مسلمان اختلاف وجود داشته است. پیشینه بحث درباره جامعیت قرآن، به زمان صحابه و امام علی (ع) برمی‌گردد (نک. کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۶۰)؛ اما موضوع اساسی در این زمینه، حیطه‌های آن و کیفیت آن است که مفسران دیدگاه‌های متفاوتی در این باره دارند که در ادامه با تفکیک دیدگاه مفسران فریقین، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش برآمده‌ایم.

۱. جامعیت قرآن در دیدگاه مفسران شیعه

اعتقاد به جامعیت قرآن، در دیدگاه تفسیری شیعه، از جمله اصلی‌ترین لوازم تفسیر محسوب می‌گردد و مفسران شیعه از همان قرون آغازین تفسیر، به آن توجه داشته‌اند. بر همین اساس نیز می‌بینیم در روایات تفسیری اهل بیت (ع)، بر موضوع جامعیت قرآن تأکید گردیده است؛ از جمله در روایتی تفسیری از امام علی (ع) درباره جامعیت قرآن آمده است:

«وَاللّٰهُ سَبْحَانَهُ يَقُولُ * مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ *» (انعام، ۳۸) و فیه تبیان لکل شیء؛ «خداوند سبحان می‌فرماید: در قرآن از هیچ چیز فروگذار نکردیم و در آن احکام همه چیز بیان شده است». (سید رضی، خطبه ۱۸)

هم‌چنین در روایتی دیگر آمده است:

«فَإِنَّ فِي الْقُرْآنِ بَيَانَ كُلِّ شَيْءٍ؛ فِیهِ عِلْمُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ»؛ «در قرآن بیان همه چیز آمده است. در آن دانش پیشینیان و پسینیان وجود دارد». (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۶۸)

امام صادق (ع) نیز در تبیین جامعیت قرآن می‌فرماید:

«خداوند همه چیز را در قرآن تبیین کرده است. به خدا سوگند! در چیزی که مورد نیاز مردم بوده کوتاهی نکرده تا کسی نگوید اگر فلان موضوع صحیح است باید در قرآن نازل می‌شد». (نک. بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۰)

در تفسیر شیعه درباره جامعیت قرآن، دو دیدگاه وجود دارد:

۱-۱- جامعیت مطلق: یعنی قرآن چه در جنبه هدایتی و چه غیر آن، جامع است. برخی معتقدند، یکی از امتیازات خاص قرآن این است که تمام علوم در آن قابل دسترسی است - چه آن علوم که بشر در حال حاضر به آن راه یافته و چه دانش‌هایی که هنوز بر بشر مکشوف نشده است. (نک. شیرازی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۱؛ جعفری، بی تا، ج ۶، ص ۱۹۴)

۱-۲- جامعیت در امور هدایتی: گروهی دیگر از مفسران شیعه، با استدلال به این که قرآن کتاب هدایت بشر است، جامعیت آن را تنها مربوط به امور هدایتی و تربیتی دانسته‌اند. بنابراین طبق دیدگاه تفسیری شیعه، قرآن در ابعاد مختلف جامعیت دارد؛ طوری که این جامعیت در ادیان دیگر مشهود نیست؛ زیرا قرآن در زمینه‌های مختلف از جمله: سیاست، تاریخ، اقتصاد، فرهنگ و موضوعات اجتماعی، فردی و فرهنگی برنامه جامع دارد و آن چه مهم جلوه می‌کند، این است که به زمان و مکان خاصی محدود نمی‌شود؛ بنابراین همین خصوصیات، قرآن را دارای ویژگی اعجاز می‌داند.

۲. جامعیت قرآن در دیدگاه مفسران اهل سنت

بررسی نظریات تفسیری اهل سنت، نشان می‌دهد که مفسران این فرقه، اصل جامعیت قرآن را قبول دارند، اما در نوع این جامعیت هم عقیده نیستند؛ عده‌ای دیدگاهشان بر جامعیت مطلق قرآن است و در مقابل، برخی دیگر این مطلق بودن را پذیرفته‌اند. دیدگاه‌های تفسیری آنان عبارتند از:

۱-۲- جامعیت حداقلی: برخی از مفسران معتقدند که تأکید شرع اسلام بر امور اخروی است نه دنیوی و به آیه شریفه *وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ* (ذاریات/۵۶) استناد می‌کنند. (آلوسی، ج ۷، ص ۴۵۴؛ دراز، ۱۳۸۳، ق، ج ۶، ص ۹۰)

۲-۲- جامعیت در امور دینی و هدایتی: بدین معنا که اگر مطالبی از علوم مختلف در قرآن آمده، فقط وجه تربیتی و هدایتی آن مورد نظر است (نک. ذهبی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۹۸). برخی جامعیت قرآن را مشتمل بر آنچه برای هدایت بشر لازم است - اعم از حلال و حرام، هدایت و ضلالت و ... - دانسته‌اند. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۰۹)

۳-۲- جامعیت مطلق: این گروه معتقدند، هر چیزی که در قرآن بشود به آن درک و فهم پیدا نمود، قابل دیدن است؛ البته ممکن است عقل ما در شناخت پاره‌ای از آن امور ناتوان باشد (نک. سیوطی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۲۷۵). در حقیقت این گروه، بر این باورند که همه علوم در قرآن نهفته است. (نک. زرکشی، ۲۰۰۱، ج ۲، ص ۱۸۲)

وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه‌های فریقین

در تحلیل و بررسی دیدگاه‌های مفسران فریقین می‌توان اظهار داشت: بیش‌تر تمرکز متقدمان بر فصاحت و بلاغت قرآن استوار بوده که این مسأله در گذر زمان و به‌صورت تدریجی، به سمت اعجاز محتوایی کشیده شده است. اعجاز محتوایی از منظر دانشمندان سده‌های اولیه (۱-۵) موضوع ارزشمندی از حیث توجه و خلق اثر و اظهار نظر در این زمینه نبود؛ علتش این است که از نظر متقدمان، مهم‌ترین نوع از اعجاز همان مباحث ادبی بود. پس طبیعی است در چنین زمانی، نه خبری از نقدهای محتوایی به قرآن باشد و نه اثری از مغرضان و ایرادات فراوان آنان به محتوای آن؛ بنابراین بیش‌تر وقت آن‌ها به فصاحت و بلاغت قرآن مصروف شد؛ زیرا آن‌ها تخصص ویژه‌ای در این کار داشتند و درک آن‌ها نسبت به این وجه از اعجاز بیش‌تر از سایر وجوه بود. البته مطالبی از اعجاز محتوایی ولو اندک در خلال سخنان آن‌ها دیده می‌شود.

در دوره متأخران (قرن ۶-۱۴)، دیدگاه‌ها درباره اعجاز محتوایی قرآن، بیش‌تر شد و مفسران این دوره، رشد فزاینده‌ای در این خصوص نسبت به هم‌کیشان خود در دوره متقدمان داشتند؛ زیرا در این دوران، خرافات بنی اسرائیل و جعل احادیث رواج یافته بود، به طوری که حق از باطل قابل شناسایی نبود؛ بنابراین با وجود مسائلی که مطرح شد، سمت و سوی گرایش‌ها به‌سوی مطالب محتوایی قرآن چرخش پیدا کرد؛ اما مسأله در دوران معاصر کاملاً متفاوت

است و توجه مفسران به اعجاز محتوایی قرآن به حداکثر رسیده است؛ زیرا در این عصر، انتقادات دشمنان نسبت به ساحت قرآن کریم بیش تر از هر دوره‌ای دیگر بوده است. شبهات متعدد شرق شناسان درباره محتوای قرآن و ادعای تناقض مطالب آن در عصر حاضر، گویای این مطلب است؛ لذا کاوش درباره اعجاز محتوایی در دوران کنونی، به دلیل تأثیر ویژه آن در آشکار ساختن معارف قرآن، غنی شدن موضوعات این کتاب، نقد اشکالات منتقدان و دفاع از حرمت قرآن در برابر غرض ورزان، افزون تر از قبل شده است.

درباره نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه‌های فریقین می‌توان اظهار داشت که دانشمندان فریقین در بیان اختلاف‌ناپذیری، اخبار از غیب، جامعیت قرآن، اعجاز علمی و بطون قرآن اختلاف چندانی ندارند و عمده اختلاف، به شدت و ضعف توجه به این مصادیق است که توجه اهل سنت در سده‌های نخست به آن‌ها بیش تر بوده ولی در دوران معاصر، دانشمندان شیعه بسیار پررنگ تر از اهل سنت به آن‌ها توجه نشان داده‌اند، اما مسأله در بطون قرآن متفاوت است و هر دو فریق برای اثبات وجود بطون قرآن، به بعضی از آیات (نک. نحل / ۴۹؛ یوسف / ۱۱۱) استناد کرده‌اند (نک. رجبی، ۱۳۹۶، ص ۲۵۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۷). از نظر هر دو، وجود بطون برای قرآن امری مسلم است. روایاتی در منابع شیعی (نک. عیاشی، ۱۳۸۰ ج ۱، ص ۸۶) و اهل سنت (نک. طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۲) است که بر وجود بطون برای آیات قرآن دلالت دارد. تفاوت در این جاست که در روایات اهل سنت برخلاف شیعه، توضیحی درباره بطون قرآن از پیامبر (ص) یا صحابه دیده نمی‌شود به جز یک مورد از ابن عباس که می‌گوید: «... بطن قرآن، تأویل آن و ظهر آن، تلاوت است» (نک. سیوطی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۵۰). در بررسی تطبیقی دیدگاه‌های فریقین، نکات مشترکی در معنای بطون دیده می‌شود. از جمله:

۱. به معنای مراتب تنزیلی قرآن از مبدأ اعلا تا عالم طبیعت. (نک. خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۸۱)
۲. بطن به معنای تأویل (نک. معرفت، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۲۸؛ شاطبی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۹۸)
۳. وجود بطون برای تمام آیات. (نک. نجارزادگان، ۱۳۸۳، ص ۶۱)

تفاوت شیعه با اهل سنت در این است که به باور تشیع، معصومان تنها مرجع حقیقی برای دفع شبهات به شمار می‌آیند و آن‌ها عالم به قرآن هستند (نک. همان، ص ۶۰). نظر شیعه در این جا به عقل نزدیک‌تر است؛ زیرا معصومان (ع)، مقرب درگاه الهی هستند و خداوند سرچشمه‌های غیب و علم را در اختیار آن‌ها قرار داده است؛ چراکه امام باید به آن‌چه برای پاسداشت دین از تحریف لازم است، علم لدنی داشته باشد و گرنه نمی‌تواند با علوم اکتسابی پاسخ درستی به شبهات بدهد. نکته دیگر این‌که ابن تیمیه وجود بطون برای قرآن را منکر بود و عقیده داشت هیچ کس از اهل علم چنین چیزی نیاورده است (نک. فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۱)؛ در حالی که ذهبی در این باره می‌نویسد: «امامیه می‌گویند: قرآن ظاهری و باطنی دارد. این حقیقی است که ما نیز آن را می‌پذیریم؛ چون نزد ما روایات صحیح در این باره وجود دارد ... نهایت آن که امامیه بر حد این روایات متوقف نشده و گفته‌اند قرآن ۷۷ بطن دارد». (ذهبی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۸)

نتیجه

در این نوشتار، اعجاز محتوایی قرآن از دیدگاه مفسران فریقین به شکل تطبیقی بررسی گردید. نتایج این پژوهش نشان داد که اعجاز محتوایی، عنوان عامی است که با عناوین اعجاز معنوی، مضمونی و معارفی نیز تعبیر شده است. این نوع از اعجاز، با مفاهیم درونی قرآن ارتباط دارد و ابعاد و محورهای مختلفی همانند اختلاف ناپذیری، هدایت بشر، اخبار غیبی، اعجاز علمی، معارف قرآنی و ... را شامل می‌شود.

بررسی رویکرد مفسران فریقین در برخورد با اعجاز محتوایی قرآن، نشان داد که مفسران متقدم، به دلیل توجه بیش‌تر بر جنبه‌های بلاغی و لفظی قرآن، کم‌تر به اعجاز محتوایی توجه داشته‌اند؛ اما در میان مفسران متأخر فریقین، گرایش به سمت بررسی اعجاز محتوایی قرآن بیش‌تر از گذشته شد و در دوران معاصر نیز به دلیل رواج شبهات و گرایش‌هایی که محتواهای غیر الهی دارند، به اعجاز محتوایی بیش‌تر توجه شده است؛ ضمن آن که تطبیق شدت و ضعف توجه مفسران دو فرقه به مسأله اعجاز محتوایی، نشان داد که در دوران معاصر، مفسران شیعه توجه بیش‌تری به این مسأله داشته‌اند.

تحقیق حاضر نشان داد با وجود آن که مفسران فریقین، در بررسی جنبه‌های اعجاز محتوایی قرآن دارای شباهت‌های زیادی در دیدگاه بوده‌اند، در برخی جنبه‌ها نیز اختلافاتی داشته‌اند؛ برای مثال، بیش‌تر صاحب‌نظران شیعی، معتقدند معصومان (ع) می‌توانند به دفع شبهات بپردازند و آبخشور تفسیر آیات الهی، از علم و معرفت آن‌ها سرچشمه می‌گیرد، حال آن‌که این نظر در اهل سنت مطرح نشده و آن‌ها بدان معتقد نیستند. تفاوت دیگر این است که اکثریت هر دو فرقه وجود بطون برای آیات قرآن را قبول دارند، با این تفاوت که برخی مثل ابن تیمیه، وجود بطون برای قرآن را انکار می‌کنند اما این مسأله مورد اتفاق مطلق شیعه است.



منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ ق)، **تفسیر روح المعانی**، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

ابوالفتوح رازی، جمال‌الدین حسین بن علی بن محمد (۱۳۷۱ ش)، **تفسیر روض الجنان و روح الجنان**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

ابن جزی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ ق)، **تفسیر العلوم التنزیل**، تحقیق: عبدالله خالیدی، بیروت: دارالارقم بن ابی‌الارقم. ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی (۱۴۲۲ ق)، **زاد المسیر فی علم التفسیر**، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت: دارالکتب العربی.

ابن عطیه، عبدالحق (۱۴۲۲ ق)، **تفسیر المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز**، بیروت: دارالکتب العلمیه. ابن فارس، احمد (بی‌تا)، **معجم مقاییس اللغة**، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، **لسان العرب**، بیروت: دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع. ابوالسعود، محمد (۱۹۲۸ م)، **تفسیر ارشاد السلیم الی مزیای القرآن الکریم**، قاهره: المطبعه المصریه. ابوحجر، احمد عمر (۲۰۰۱ م)، **التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان**، بیروت: دارالمدار الاسلامی. ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق)، **تفسیر البحر المحیط فی التفسیر**، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت: دارالفکر.

باقلانی، ابوبکر (۱۴۰۶ ق)، **اعجاز القرآن**، بیروت: موسسه کتب الثقافیه. بحرانی، هاشم (۱۴۱۵ ق)، **تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن**، قم: موسسه البعثه، مرکز الطباعه و النشر. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ ق)، **معالم التنزیل**، بیروت: دار احیاء التراث العربی. بلاغی، محمدجواد (۱۴۲۰ ق)، **تفسیر آلاء الرحمان فی تفسیر القرآن**، قم: بنیاد بعثت. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ ق)، **تفسیر انوار التنزیل و اسرار التأویل**، تحقیق: محمد عبدالرحمان المرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ ق)، **تفسیر احکام القرآن**، تحقیق: محمد صادق قمحاوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳ ش)، **شرح و تفسیر نهج البلاغه**، قم: نشر فرهنگ اسلامی. جعفری، یعقوب (۱۳۷۶ ش)، **تفسیر کوثر**، قم: موسسه انتشارات هجرت. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸ ش)، **تفسیر تسنیم**، قم: مرکز بین‌المللی نشر اسراء. خلف الله محمد و محمد زغلول (۱۹۷۶ م)، **ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن**، قاهره: دارالمعارف. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۲ ش)، **آداب الصلاة**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- خویی، ابوالقاسم (۱۴۰۱ ق)، *البيان في تفسير القرآن*، بی جا: انوار الهدی.
- دراز، محمد بن عبدالله (۱۴۲۶ ق)، *النبأ العظيم*، بی جا: دارالقلم للنشر و التوزيع.
- ذهبی، محمدحسین (۱۳۸۱ ش)، *التفسير و المفسرون*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دارالعلم.
- رافعی، مصطفی صادق (۱۳۹۳ ق)، *اعجاز القرآن و البلاغة النبویه*، بیروت: دار الكتاب العربی.
- رجبی، محمود (۱۳۹۶ ش)، *روش شناسی تفسیر قرآن*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- رشید رضا، محمد (۱۹۹۰ م)، *تفسير المنار*، مصر: الهيئة المصریة العامه للكتاب.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۱ ش)، *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*، رشت: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۳۸۵ ش)، *مناهل العرفان في علوم القرآن*، ترجمه محسن آرمین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله (۱۹۵۷ م)، *البرهان في علوم القرآن*، بیروت: دار احیاء الكتب العربیه.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق)، *تفسير الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*، بیروت: دار الكتب العربی.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۱ ق)، *مفاهیم القرآن*، قم: موسسه الامام الصادق (ع).
- سید قطب (۱۴۰۸ ق)، *تفسير في ضلال القرآن*، بیروت: نشر دارالشروق.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ ق)، *الاتقان في علوم القرآن*، بیروت: دارالكتاب العربی.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۴ ق)، *تفسير الدر المنثور*، بیروت: دارالفکر.
- شاطبی، ابن موسی (۱۴۱۷ ق)، *موافقات*، عربستان: دار ابن عفان.
- شریینی، محمد (بی تا)، *السراج المنیر*، قاهره: المطبعة المصریه.
- شریعتی، محمدتقی (۱۳۴۶ ش)، *تفسير نوین*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شعراوی، محمد متولی (۱۳۸۷ ش)، *معجزة القرآن*، قم: تبیان.
- شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴ ق)، *تفسير فتح القدير*، بیروت: دارالکلم الطیب.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ ق)، *الفرقان في تفسير القرآن*، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۸۹ ق)، *تفسير پرتوی از قرآن*، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق)، *المیزان في تفسير القرآن*، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (بی تا)، *تفسير مجمع البیان*، بیروت: دارالمعرفه.
- طبری، ابن جریر (۱۴۱۲ ق)، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، بیروت: دارالفکر.
- طنطاوی جوهری (۱۳۵۶ ش)، *الجواهر في تفسير القرآن*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ ق)، *الاقتصاد الهادی الى طريق الرشاد*، تهران: مکتبه جامع چهل ستون.

طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، *تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۳۸۳ ق)، *تفسیر نور الثقلین*، قم: مطبعه العلمیه. علم‌الهدی، سید مرتضی (۱۳۸۲ ش)، *الموضح عن جهه اعجاز القرآن*، تحقیق محمدرضا انصاری قمی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)، *تفسیر کبیر*، تهران: دار الکتب العلمیه.

فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۸ ق)، *تفسیر صافی*، تهران: مکتبه الصدر.

قاسمی، محمد جمال‌الدین (۱۴۱۸ ق)، *تفسیر قاسمی*، بیروت: دار الکتب العلمیه.

قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱ ش)، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

قرطبی، محمد (۱۴۰۸ ق)، *تفسیر الجامع لاحکام القرآن*، بیروت: دار الکتب العلمیه.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق)، *تفسیر قمی*، قم: نشر دارالکتاب.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کمالی دزفولی، علی (۱۳۷۰ ش)، *شناخت قرآن*، تهران: نشر اسوه.

کوفی، فرات (۱۴۱۰ ق)، *تفسیر فرات*، تهران: موسسه الطبع و النشر.

مراغی، احمد بن مصطفی (بی‌تا)، *تفسیر المراغی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۶ ش)، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا.

معرفت، محمدهادی (۱۳۹۱ ش)، *علوم قرآنی*، قم: موسسه فرهنگی تمهید.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳ ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶ ش)، *پیام قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

نجارزادگان، فتح‌الله (۱۳۸۳ ش)، *تفسیر تطبیقی*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

Bibliography

The Holy Qur'an;

Abul-Futūḥ Rāzī, Ḥusayn b. 'Alī, (۱۹۸۶) *Rawḍ ul-Jinān wa Rūḥ-ul-Janān fī Tafsīr-il-Qur'ān*, edited by Muḥammad-Ja'far Yāḥaqqī & Muḥammad-Mahdī Nāṣih. Mashhad: Bunyād-i Pazhūhish-hā-yi Āstān-i Quds-i Raḥawī.

Abū-Ḥayyān, Muḥammad b. Yūsuf, (۱۹۹۹) *al-Baḥr al-Muḥīṭ fī al-Tafsīr*, Beirut: Dār al-Fikr.

Abū Ḥijr, Aḥmad 'Umar, (۲۰۰۱) *al-Tafsīr al-'Ilmī lil Qur'ān fī al-Mīzān*, Beirut: Dār al-Madār al-Islāmīyya.

- Abūl-Su'ūd, Muḥammad b. Muḥammad, (۱۹۲۸) *Tafsīr al-Irshād al-'Aql al-Salīm ilā Mazāyā al-Kitāb al-Karīm*, Cairo: al-Maṭba'a al-Miṣrīyya.
- Ālūsī, Maḥmūd b. 'Abdullāh, (۱۹۹۴) *Rūḥ al-Ma'ānī fī Tafsīr al-Qur'ān al-'Azīm*, edited by 'Alī 'Abdul-Bārī 'Aḥīyya, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya.
- 'Ayyāshī, Muḥammad b. Mas'ūd, (۲۰۰۱) *Tafsīr al-'Ayyāshī*, Tehran: Maktaba al-'Ilmīyya al-Islāmīyya.
- Baghawī, Ḥusayn b. Mas'ūd, (۱۹۹۹) *Ma'ālim al-Tanzīl*, edited by 'Abdurrazāq al-Mahdī, Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
- Baḥrānī, Hāshim (1995), *Al-Burhān fī Tafsīr al-Qur'ān*, Qum: Bi'that.
- Balāghī Najafī, Muḥammad Jawād, (۱۹۹۹) *Ālā' al-Raḥmān fī Tafsīr al-Qur'ān*, Qum: Bunyād Bi'tha.
- Bāqillānī, Abū-Bakr, (۱۹۸۶) *I'jāz al-Qur'ān*, Beirut: Mu'assasa al-Kutub al-Thaqāfiyya.
- Baydāwī, 'Abdullāh b. 'Umar, (۱۹۹۷) *Anwār al-Tanzīl wa Asrār al-Ta'wīl*, edited by Muḥammad 'Abdul-Raḥmān al-Mar'ashlī, Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
- Darāz, Muḥammad b. 'Abdullāh, (۲۰۰۵) *al-Naba' al-'Azīm*, n.p.: Dār al-Qalam.
- Fakhr-al-Dīn Rāzī, Muḥammad b. 'Umar, (۱۹۹۹) *Tafsīr Mafāṭīḥ al-Ghayb*, Tehran: Maktaba al-'Ilmīyya al-Islāmīyya.
- Fayḍ-Kāshānī, Muḥammad b. Murtaḍā, (۱۹۹۴) *Al-Asfā fī Tafsīr al-Qur'ān*, Tehran: Ṣadr.
- Furāt Kūfī, Furāt b. Ibrāhīm, (۱۹۹۰) *Tafsīr Furāt Kūfī*, Tehran: Vizārat-i Farhang va Irshād-i Islāmī.
- Ḥuwayzī, 'Abd-'Alī b. Jum'a, (۲۰۰۵) *Tafsīr Nūr al-Thaqalayn*, Qum: Maṭba'a al-'Ilmīyya.
- Ibn 'Aḥīyya, 'AbdulḤaqq b. Ghālib, (۲۰۰۱) *al-Muḥarrar al-Wajīz fī Tafsīr al-Kitāb al-'Azīm*, edited by Muḥammad 'Abdul-Salām 'Abdul-Shāfī, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya.
- Ibn Fāris, Aḥmad, (۱۹۸۴) *Mu'jam Maqā'īs al-Lughā*, edited by 'Abd al-Salām Hārūn, Qum: Maktab al-'Ilm al-Islāmī.

- Ibn Jawzī, ‘Abduḥ—Raḥmān b. ‘Alī (n.d), *Zād al-Masūr fī ‘Ilm al—Tafsīr*, Beirut: Dār al aḤKitāb al-‘Arabī.
- Ibn Juzayy, Muḥammad b. Aḥmad, (۱۹۹۵) *al—Tashīl li ‘Ulūm al—Tanẓīl*, Beirut: Dār al Arqam Ibn Abī al-Arqam.
- Ibn Manzūr, Muḥammad b. Mukarram, (۱۹۹۳) *Lisān al- ‘Arab*, Beirut: Dār al-Fikr.
- Ja‘farī, Muḥammad-Taḳī, (۱۹۹۴) *Sharḥ va Tafsīr-i Nahj al-Balāgha*, Qum: Nahr-i Farhang-i Islāmī.
- Ja‘farī, Ya‘qūb (n.d), *Tafsīr Kawthar*, Qum: Hijra.
- Jaṣṣās, Aḥmad b. ‘Alī Abū-Bakr, (۱۹۸۵) *Aḥkām al-Qur’ān*, edited by Muḥammad-Sādiq al-Qamḥāwī, Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth.
- Jawādī Āmulī, ‘Abdullāh, (۱۹۸۵) *Tafsīr-i Tasnīm*, Qum: Isrā’.
- Kamālī Dizfūlī, ‘Alī, (۱۹۹۱) *Shinākht-i Qur’ān*, Tehran: Uswa.
- Khalafullāh, Muḥammad Aḥmad and Muḥammad Zaghlūl, (۱۹۷۶) *Thalāth Rasā’il fī I’jāz al-Qur’ān*, Cairo: Dār al-Ma‘ārif.
- Khaṭīb Sharbīnī, Muḥammad b. Aḥmad (n.d), *al-Sirāj al-Munīr*, Cairo: al-Maṭba‘a al-Miṣriyya.
- Khu‘ī, Abul-Qāsim (n.d), *al-Bayān fī Tafsīr al-Qur’ān*, n.p.
- Khumaynī, Rūḥullāh, (۱۹۹۳) *Ādāb al-Ṣalāt*, Tehran: Mu’assasa Tanẓīm va Nashr-i Āthār-i Imām Khumaynī.
- Kulaynī, Muḥammad b. Ya‘qūb, (۱۹۶۶) *al-Kāfī*, edited by Muḥammad Ghaffārī and Muḥammad Ākhūndī, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya.
- Makārim-Shīrāzī, Nāṣir, (۲۰۰۷) *Payām-i Qur’ān*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya.
- Makārim-Shīrāzī, Nāṣir, (۱۹۷۲) *Tafsīr-i Nīmūni*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya.
- Marāghī, Aḥmad b. Muṣṭafā (n.d), *Tafsīr Marāghī*, Beirut: Dār Iḥyā’ al—Turāth al-‘Arabī.
- Ma‘rifat, Muḥammad-Hādī, (۱۹۹۹) *‘Ulūm-i Qur’ānī*, Qum: Mu’assasa al-Tamhīd.
- Muṭahharī, Murtaḍā, (۱۹۹۷) *Majmū‘a Āthār*, Tehran and Qum: Ṣadrā.
- Najjārzādīgān, Faṭḥullāh (2004), *Tafsīr-i Ṭaṭbīqī*, Qum: Markaz-i Jahānī-i ‘Ulūm-i Islāmī.

- Qāsimī, Muḥammad Jamāl al-Dīn, (۱۹۹۷) *Maḥāsīn al-Ta'wīl*, Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya.
- Qummī, ‘Alī b. Ibrāhīm, (۱۹۸۴) *Tafsīr al-Qummī*, edited by Sayyid Ṭayyib Mūsawī Jazā’irī, Qum: Dār al-Kitāb.
- Qurashī, ‘Alī Akbar, (۱۹۹۱) *Qāmūs-i Qur’ān*, Tehran: Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya.
- Qurṭubī, Muḥammad b. Aḥmad, (۱۹۸۸) *al-Jāmi‘ li Aḥkām al-Qur’ān*, Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya.
- Rāfi‘ī, Muṣṭafā Šādiq, (۱۹۷۳) *I’jāz al-Qur’ān wa al-Balāgha al-Nabawīyya*, Beirut: Dār al-Kitāb al-‘Arabī.
- Rāghib Iṣfahānī, Ḥusain b. Muḥammad, (۱۹۹۵) *al-Mufradāt fī Gharīb Alfāz al-Qur’ān*, Beirut: Dār al-‘Ilm.
- Rajabī, Maḥmūd, (۲۰۱۷) *Ravish-Shināsī-i Tafsīr-i Qur’ān*, Qum: Pazhūhishkadi-yi Hawza va Dānishgāh.
- Riḍā, Muḥammad Rashīd, (۱۹۹۰) *Tafsīr al-Qur’ān al-Ḥakīm al-Shahīr bi-Tafsīr al-Minār*, Cairo: al-Hay’a al-Miṣrīyya al-‘Āmma lil-Kitāb.
- Rizā’ī Iṣfahānī, Muḥammad ‘Alī, *Pazhūhish-i dar I’jāz-i ‘Ilmī-i Qur’ān*, Rasht: Pazhūhish-hā-yi Tafsīr va ‘Ulūm-i Qur’ān.
- Šādiqī Tihrānī, Muḥammad, (۱۹۹۸) *al-Furqān fī Tafsīr al-Qur’ān*, Qum: Farhang-i Islāmī.
- Sayyid Murtaḍā, ‘Alī b. Ḥusayn, (۲۰۰۳) *al-Mūḍiḥ ‘an Jiha I’jāz al-Qur’ān*, edited by Muḥammad Rizā Anṣārī Qummī. Mashhad: Bunyād-i Pazhūhish-hā-yi Āstān-i Quds-i Rażawī.
- Sayyid Raḍī, Muḥammad b. Ḥusayn, (۲۰۰۰) *Nahj al-Balāgha*, translated into Persian by Muḥammad Dashtī, Qum: Huḍūr.
- Sharī‘atī, Muḥammad-Taqī, (۱۹۷۵) *Tafsīr-i Nuvīn*, Tehran: Daftar-i Nashr-i Farhang-i Islāmī.
- Shādhilī, Sayyid b. Quṭb b. Ibrāhīm, (۱۹۹۲) *Fī Zilāl al-Qur’ān*, Beirut and Cairo: Dār al-Shurūq.
- Shāṭibī, Ibrāhīm b. Mūsā, (۱۹۹۶) *al-Muwāfiqāt*, Riyadh: Dār Ibn ‘Affān.

- Shawkānī, Muḥammad b. 'Alī, (۱۹۹۳) *Fath al-Qadīr*, Damascus: Dār Ibn Kathīr and Dār al-Kalim al-Tayyib.
- Shi' rāwī, Muḥammad Mutawallī, (۲۰۰۸) *Mu'jiza al-Qur'ān*, Qum: Tibyān.
- Subḥānī, Ja'far, (۲۰۰۰) *Mafāhīm al-Qur'ān*, Qum: Mu'assasa Imām Ṣādiq.
- Suyūṭī, 'Abdul-Raḥmān b. Abī-Bakr, (۱۹۹۳) *al-Durr al-Manthūr fī Tafsīr al-Manthūr*, Beirut: Dār al-Fikr.
- Suyūṭī, 'Abdul-Raḥmān b. Abī-Bakr, (۲۰۰۰) *al-Itqān fī 'Ulūm al-Qur'ān*, Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī.
- Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr, (۱۹۹۱) *Jāmi' al-Bayān 'an Ta'wīl Āy al-Qur'ān*, Beirut: Dār al-Ma'rifa.
- Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad-Ḥusayn, (۱۹۹۵) *al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān*, Qum: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-i Jāmi'a-yi Mudarrisīn-i Ḥawza-yi 'Ilmīyyah-yi Qum.
- Ṭabrisī, Faḍl b. Ḥasan (n.d.) *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān*, Beirut: Dār al-Ma'rifa.
- Ṭāliqānī, Maḥmūd, (۱۹۶۶-۱۹۸۱) *Partuw-i Az Qur'ān*, Tehran: Shirkat-i Sahāmī-i Intishār.
- Ṭanṭāwī, Muḥammad, *al-Jawāhir fī Tafsīr al-Qur'ān*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan b. 'Alī, (۱۹۸۰) *al-Iqtisād al-Hādī ilā Sabīl al-Rashād*, Tehran: Chihil Sutūn.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan b. 'Alī, (۱۹۹۹) *al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'ān*, Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
- Zahabī, Muḥammad-Ḥusayn, n.d., *(al-Tafsīr wa al-Mufasssirūn*, Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
- Zamakhsharī, Maḥmūd, (۱۹۸۷) *al-Kashshāf 'an Ḥaqā'iq al-Ta'wīl wa Ghawāmiḍ al-Tanzīl*, Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī.
- Zarkishī, Muḥammad b. Bahādur, (۱۹۵۷) *al-Burhān fī 'Ulūm al-Qur'ān*, Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
- Zarqānī, Muḥammad 'Abdul-'Azīm, (۲۰۰۶) *Manāhil al-'Irfān fī 'Ulūm il-Qur'ān*, translated by Muḥsin Ārmīn, Tehran: Pazhūhishgāh-i 'Ulūm-i Insānī va Muṭālī'āt-i Farhangī.